

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
 Reproduction of Urban Space Based on Women's
 Discourse in Lalehzar Street, Tehran
 در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

بازتولید فضای شهری برمبنای گفتمان زنان در خیابان لاله‌زار تهران*

مهسا ساسانفر^۱، محمود رضایی^{۲*}، وراز مرادی مسیحی^۱

۱. گروه شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹

چکیده

بیان مسئله: فضای شهری پدیده‌ای اجتماعی، تاریخی و چندلایه‌است که در تعامل مداوم نیروهای قدرت، سیاست و سرمایه شکل می‌گیرد و در گذر زمان بازتولید می‌شود. این بازتولید نه تنها به واسطه تحولات ساختاری، بلکه در دل کنش‌های روزمره، تجربه‌های زیسته و گفتمان‌های اجتماعی صورت می‌گیرد. در این میان، گفتمان زنان به‌عنوان یکی از نیروهای کمتر دیده‌شده، نقشی معنادار در بازتعریف مرزهای خصوصی-عمومی و بازسازی حافظه جمعی دارد. با این حال، این گفتمان به‌ویژه در تحلیل فضاهای تاریخی شهرهای ایران کمتر توجه شده است. بنابراین مقاله عاملیت گفتمان زنان را در بستر این نیروها و کنشگری فضایی در خیابان لاله‌زار تهران به چالش می‌کشد.

هدف پژوهش: پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل بازتولید فضای شهری برمبنای گفتمانی مشخص، خیابان لاله‌زار را به‌عنوان یکی از خیابان‌های تاریخی-فرهنگی پایتخت در سه دوره تاریخی در کانون تحلیل قرار داده است.

روش پژوهش: این پژوهش با رویکرد کیفی و گفتمان‌محور انجام شده و از روش تحلیل محتوای استقرایی برای بررسی داده‌ها بهره گرفته است. داده‌ها از منابع نوشتاری، دیداری و شنیداری در خصوص سه دوره کلی قاجار، پهلوی، جمهوری اسلامی استخراج شده‌اند. چارچوب نظری پژوهش بر بررسی سازوکارهای مؤثر در بازتولید فضای شهری استوار بوده و از مفاهیم کنشگری، عاملیت و منش فضایی برای تحلیل گفتمان زنان استفاده شده است. **نتیجه‌گیری:** کنشگری زنان در خیابان لاله‌زار را می‌توان بخشی از فرایند بازتولید تاریخی فضای شهری دانست که در تعامل پیچیده با مناسبات قدرت، سیاست و سرمایه شکل گرفته است. این کنشگری در ادوار مختلف، از «تماشاچی» به «تماشایی» تا فرصت «بازیگری» در قالب گفتمان‌های متنوعی همچون حضور انزوایی-انفعالی، نمادین-مصرفی و غیرنمادین-مشارکتی بازنمایی شده است. رفتارهای روزمره، نقش‌های اجتماعی، الگوهای حضور-غیاب و مشارکت زنان در عرصه خیابان، نه تنها در تحول معانی فضایی و مرزبندی‌های خصوصی-عمومی مؤثر بوده، بلکه در شکل‌گیری حافظه جمعی و سازمان‌یابی فضایی لاله‌زار نیز نقش داشته است. **واژگان کلیدی:** کنشگری-فرمایشی-خوجوش، عاملیت «مکان-رویداد»، منش «پیرامون-مرکز»، «تماشاچی-تماشایی-بازیگری».

مقدمه و بیان مسئله

فضای شهری پدیده‌ای اجتماعی و تاریخی است که در بستر برهم‌کنش سه مولفه قدرت، سیاست و سرمایه شکل می‌گیرد. در دامن این سه مولفه بسته به این که «منش» سوژه از مرکز تا پیرامون در چه گستره «عاملیتی» - از

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «مهسا ساسانفر» با عنوان «تبیین پیوستاری شکل مکان و روایت‌های شهری با روش تحلیل گفتمان (مورد پژوهی: بافت تاریخی مرکزی تهران» است که به راهنمایی دکتر «محمود رضایی» و مشاوره دکتر «وراز مرادی مسیحی» در سال ۱۴۰۴ در دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی در حال انجام است.

** نویسنده مسئول: 09122147548; mahmud.rezaei@iau.ac.ir

مکان تا رویداد- به چه گستره «کنشگری» - از فرمایشی تا خودجوشی- رفتار کند، بدیل‌های فضایی بازتولید می‌شوند (Hosseini et al., 2024, Sasanfar et al., 2025). در این فرایند، فضا نه تنها ظرفی کالبدی، بلکه عرصه‌ای از معنا، تجربه و حافظه جمعی است که در تعامل میان ساختارهای مادی و نیروهای اجتماعی شکل می‌گیرد؛ رویکردی که لوفور (Lefebvre, 1991) و سوجا (Soja, 1996) آن را در قالب رابطه‌ای دیالکتیکی توضیح داده‌اند. در چنین بستری، بازتولید فضا تنها حاصل نیروهای کالبدی یا اقتصادی نیست و گفتمان‌ها و کنش‌های روزمره نیز در آن نقش دارند. یکی از

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های معاصر در حوزه «فضا، جنسیت و بازتولید اجتماعی» طی دو دهه اخیر، نشان داده‌اند که فضا محصول تعامل میان نیروهای ساختاری و تجربه‌های زیسته است و زنان نه تنها موضوع سیاست‌های فضایی، بلکه کنشگرانی فعال در تولید اجتماعی فضا هستند. مطالعات بین‌المللی با تمرکز بر قدرت، سرمایه و روابط جنسیتی، اهمیت حضور، مقاومت و بازتعریف هنجارهای فضایی توسط زنان را برجسته کرده‌اند.

چاتوپادایا با الهام از فدریچی، نشان می‌دهد که بدن‌های جنسیت‌یافته در مواجهه با ساختارهای سرمایه‌داری و پدرسالاری با خشونت‌های فضایی مواجه می‌شوند و کنشگری زنان محدود اما همزمان بازآفرینی می‌شود (Chattopadhyay, 2019). بایدار فضا را سیال و «جنسی‌شده» می‌داند که همواره از دل روابط جنسیتی و کنش‌های بدنی ساخته می‌شود و رفتارهای بدیل زنان و گروه‌های کوپیر می‌تواند نظم مردم‌محور را مختل کند (Baydar, 2012). ناکال نشان می‌دهد که فضاهای شهری زنان را به‌عنوان «بدن‌های مصرف‌کننده» و مردان را به‌عنوان «بدن‌های مسلط» بازنمایی می‌کنند، اما کنش‌های روزمره زنان می‌توانند مرزهای فضایی را جابه‌جا کنند (Nakhal, 2015). در سطح نظری، لو با نظریه «ترتیب‌گذاری فضایی» نشان می‌دهد که فضا محصول تعامل اشیاء، بدن‌ها و ادراکات است و جنسیت از طریق این تعامل‌ها در فضا حک می‌شود (Low, 2006). هریس اهمیت «فضاهای امن» و گفتمان‌های نوین شهروندی را در بروز عاملیت زنان توضیح می‌دهد و مالسون و سوان بازنمایی بدن زنانه را به‌عنوان ابزار بازتولید یا مقاومت در برابر هنجارهای جنسیتی تحلیل می‌کنند (Malson & Swann, 2003, Harris, 2005). پژوهش اخیر رحمان نیز نشان می‌دهد که زنان مسلمان در لاداخ از طریق فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی مرزهای مجاز و ممنوعه را بازتعریف می‌کنند و فضا را محصول تعامل دین، فرهنگ، سیاست و تجربه زیسته می‌سازند (Rehman, 2025). برآیند این مطالعات نشان می‌دهد که فضا پدیده‌ای مادی-گفتمانی است که در تعامل میان بدن‌ها، نگاه‌ها، اشیاء، نهادها و ساختارهای قدرت شکل می‌گیرد و جنسیت در آن رمزگذاری می‌شود، اما از خلال کنش‌های روزمره زنان قابل واژگونی است. کنشگری زنانه در فضا، فرایندی پویا، لایه‌مند و مبتنی بر مذاکره با قدرت، هنجارها و مرزهای اجتماعی است. با وجود پیشرفت‌های مذکور، هنوز خلأهای قابل توجهی در پژوهش‌ها مشاهده می‌شود: بیشتر مطالعات فاقد چارچوب نظری یکپارچه‌ای هستند که سه مؤلفه قدرت، سیاست و سرمایه را با اشکال متفاوت عاملیت زنانه در یک بستر تاریخی مشخص پیوند دهد. همچنین، هیچ مطالعه‌ای تحلیل تاریخی-گفتمانی سه‌دوره‌ای از تحول عاملیت زنان در یک فضای شهری مشخص، به‌ویژه در ایران، ارائه نکرده است. پژوهش حاضر در پاسخ به این شکاف‌ها با تلفیق سه سطح

گفتمان‌هایی که در این فرایند تأثیری مهم اما کمتر مطالعه‌شده دارد، گفتمان زنان است. زنان به‌عنوان کنشگران اجتماعی، نه فقط در سطح حضور فیزیکی، بلکه در سطح بازنمایی‌های فرهنگی، حافظه جمعی و بازخوانی مرزهای عمومی - خصوصی بر معنا و هویت فضا اثر می‌گذارند. با وجود این، در ادبیات شهرسازی ایران، نقش زنان بیشتر به سطح تجربه‌های توصیفی یا رفتاری تقلیل یافته و تحلیل‌های نظری پیونددهنده «قدرت»، «گفتمان» و «بازتولید فضا» کمتر دیده می‌شود (بایدار و همکاران، ۱۳۹۹، Pour Hossein Roshan et al., 2021). پژوهش‌های بین‌المللی نیز نشان می‌دهند که طراحی و برنامه‌ریزی شهری تحت سلطه الگوهای مردم‌محور بوده و تجربه زیسته زنان را به حاشیه رانده است (Beebejaun, 2017). در همین راستا، رویکردهای فمینیستی جدید با تأکید بر جریان‌سازی جنسیتی و عاملیت زنانه فضا را به‌عنوان میدان قدرت و مقاومت تحلیل می‌کنند (Donati & Rodríguez-García, 2024). از سوی دیگر، نظریه هویت به‌مثابه کنش تکرارشونده باتلر فهمی پویا از بازتولید جنسیت و نقش گفتمان در شکل‌دهی سوژگی زنان ارائه می‌کند؛ فهمی که می‌تواند برای تحلیل بازتولید فضا نیز به‌کار گرفته شود (Butler, 1990). در امتداد این دیدگاه‌ها، آثار مک‌داول، روز و هایدن نشان می‌دهد که حضور یا حذف زنان از فضا بازتاب مستقیم سیاست‌های شهری و روابط قدرت است (McDowell, 1998, Rose, 1993, Hayden, 1980). با وجود اهمیت این رویکردها در مطالعات شهری ایران، به‌ویژه در بررسی فضاهای تاریخی و فرهنگی، توجه به ابعاد گفتمانی مرتبط با حضور و نقش اجتماعی زنان در فرایند بازتولید فضا کمتر توجه شده است. خیابان لاله‌زار تهران، به‌عنوان یکی از کانون‌های مهم تحولات فرهنگی، اجتماعی و کالبدی شهر از دوره قاجار تا امروز دگرگونی‌های متعددی را تجربه کرده است. در هر یک از این دوره‌ها، الگوهای متفاوتی از حضور و مشارکت اجتماعی زنان در فضا شکل گرفته که می‌توان آنها را در پیوند با سیاست‌ها و شرایط اجتماعی هر دوره بررسی کرد. از این‌رو، مطالعه خیابان لاله‌زار این امکان را فراهم می‌آورد تا چگونگی تحول الگوهای گفتمانی مرتبط با زنان و نقش آنها در شکل‌گیری مرزبندی‌های فضایی میان عرصه‌های عمومی و خصوصی و تقویت حافظه اجتماعی فضا بصورت تاریخی و تحلیلی بررسی شود. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی گفتمانی-فضایی و با تکیه بر نظریه‌های کنشگری فضایی، عاملیت گفتمان زنان را در فرایند بازتولید فضای شهری تهران، به‌ویژه در خیابان لاله زار، طی سه دوره تاریخی قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی در بستر ساختار مناسبات قدرت، سیاست و سرمایه به چالش می‌کشد. این مسئله در گستره میانجی‌گری عاملیت، منش و کنشگری فضایی زنان و همچنین جابجایی مرزهای فضاهای خصوصی و عمومی در طول این دوران تاریخی بررسی خواهد شد.

ساختاری (قدرت، سیاست، سرمایه)، میانجی (کنشگری، عاملیت، منش فضایی) و تاریخی، الگویی مفهومی ارائه می‌دهد که امکان تحلیل بازتولید فضا همچون محصول تعامل نیروهای گفتمانی و کنش‌های زنان را فراهم می‌کند. این رویکرد، ضمن ارائه یک مدل تحلیلی نوین، امکان تحلیل گفتمانی-تاریخی تطبیقی را فراهم می‌آورد و چگونگی بازتعریف مرزهای جنسیتی و بازتولید یا تغییر فضا توسط زنان در یک بستر شهری ایرانی را روشن می‌سازد.

مبانی نظری

تحلیل بازتولید فضای شهری از منظر گفتمان زنان مستلزم تکیه بر چارچوبی نظری است که بتواند درک چند وجهی از تعامل میان نیروهای ساختاری، مناسبات قدرت و عاملیت‌های اجتماعی را امکان‌پذیر سازد. بدین منظور، مبانی نظری این پژوهش بر سه حوزه اصلی اندیشه انتقادی در مطالعات شهری استوار است: نخست، نظریه‌های تولید و بازتولید فضا که از رهگذر تحلیل مناسبات قدرت، سیاست و سرمایه، به تبیین ماهیت اجتماعی و تاریخی فضا می‌پردازند؛ دوم، رویکرد فمینیستی و گفتمان‌محور مرتبط با عاملیت و کنشگری در فضا که چگونگی بروز و مقاومت زنان در برابر ساختارهای فضایی مردسالار را واکاوی می‌کنند؛ و سوم، دیدگاه‌هایی که بر مفهوم «منش فضایی» و جایگاه گروه‌های اجتماعی در نسبت با مرکز و پیرامون تأکید دارند و از این رهگذر، فرایندهای شکل‌گیری و بازتعریف فضا را در پیوند با تجربه زیسته کنشگران توضیح می‌دهند. در تلفیق این سه حوزه، چارچوب مفهومی پژوهش حاضر همچون مدلی تحلیلی برای تبیین نحوه بازتولید فضا در خیابان لاله‌زار تهران از منظر گفتمان زنان عمل می‌کند؛ مدلی که هم‌زمان به ابعاد مادی، نمادین، گفتمانی فضا توجه داشته و بستر فهمی چندلایه از مناسبات جنسیت، قدرت و مکان را فراهم می‌سازد.

• نظریه‌های (باز) تولید فضا

در اندیشه معاصر شهری، «فضا» مفهومی صرفاً کالبدی نیست؛ بلکه محصولی اجتماعی، تاریخی و سیاسی است. هانری لوفور در اثر بنیادین خود تولید فضا نشان می‌دهد که فضا در فرایندی دیالکتیکی میان ساختارهای قدرت، روابط تولید و کنش‌های روزمره شکل می‌گیرد. او با طرح سه‌گانه «فضای ادراک‌شده»، «فضای بازنمایی‌شده» و «فضای زیسته» تأکید می‌کند که فضا امری طبیعی و بی‌طرف نیست، بلکه در بستر مناسبات اجتماعی تولید و بازتولید می‌شود (Lefebvre, 1991). در ادامه این رویکرد، دیوید هاروی بر پیوند فضا و سرمایه تمرکز می‌کند. به‌زعم او، شهر عرصه انباشت سرمایه است و منطق بازار، فرایندهای سازمان‌دهی و بازتولید فضا را هدایت می‌کند. از این منظر، فضا هم‌زمان می‌تواند بستر سلطه و مقاومت باشد (Harvey, 1985; 2001). نیل اسمیت نیز با تحلیل بازآفرینی

شهری نشان می‌دهد که سرمایه‌داری از طریق بازتولید و کالایی‌سازی فضا، گروه‌های به‌حاشیه‌رانده را حذف کرده و نظم اجتماعی را تثبیت می‌کند (Smith, 1996). ادوارد سوچا با طرح مفهوم «فضای سوم» چشم‌اندازی میانجی فراهم می‌سازد که در آن فضا نه فقط واقعیتی مادی یا تخیلی ذهنی، بلکه بستری برای بروز تفاوت‌ها و مقاومت‌های اجتماعی است (Soja, 1996). در سطحی کلان‌تر، ساسکیا ساسن در نظریه «شهر جهانی» نشان می‌دهد که جریان‌های قدرت جهانی و سرمایه فراملی چگونه فضاهای شهری را دگرگون کرده، نابرابری‌ها را بازتولید و هم‌زمان هویت‌های نو ایجاد می‌کنند (Sassen, 2013). برآیند این دیدگاه‌ها، فهمی چندلایه از فضا را ارائه می‌دهد: فضایی که میدان نیروهای قدرت، سیاست و سرمایه است و در تعامل با عاملیت انسانی شکل می‌گیرد. بنابراین، فضا تنها کالبد نیست، بلکه «متن اجتماعی»ی است که روابط، معانی و تضادهای اجتماعی در آن تجسد می‌یابند.

• گفتمان زنان، فضا و عاملیت جنسیتی

در چارچوب نظریه‌های فمینیستی، فضا برساخته‌ای اجتماعی و جنسیت‌مند است. جودیت باتلر با مفهوم «جنسیت همچون کنش تکرارشونده» نشان می‌دهد که هویت‌های جنسیتی از خلال کنش‌های روزمره و در چارچوب گفتمان‌های قدرت شکل می‌گیرند و می‌توانند ساختارهای تثبیت‌شده مردسالار را دگرگون سازند (Butler, 1990). فضاهای شهری حامل روابط قدرت جنسیتی‌اند و طراحی و برنامه‌ریزی شهری اغلب براساس الگوهای مردانه شکل گرفته است؛ در مقابل، تجربه زنانه از فضا بر احساس تعلق، امنیت و دیده‌شدن استوار است (McDowell, 1998, Rose, 1993). مَسی نیز بر پویایی فضا و امکان خلق معانی چندگانه تأکید دارد؛ به‌طوری که زنان می‌توانند با کنش‌های روزمره مرزهای عمومی و خصوصی را بازتعریف کنند (Massey, 1994). رویکردهای معاصر نیز بر حضور فعال زنان در فضا و سیاست‌گذاری شهری تأکید دارند. بی‌بی‌ژان حق زنان به «زندگی روزمره» در فضاهای شهری را یادآور می‌شود (Beebejaun, 2017) و دوناتی و رودریگز-گارسیا ضرورت مداخله زنان در جریان‌سازی جنسیتی سیاست‌های شهری را مطرح می‌کنند (Donati & Rodríguez-García, 2024). در زمینه داخلی، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ریشه نابرابری جنسیتی در فضاهای شهری در ساختارهای قدرت و برنامه‌ریزی مردسالارانه نهفته است (Pour Hossein Roshan et al., 2021). بیدار و همکاران نیز با تحلیل تجربه زیسته زنان بر اهمیت ادراک حسی و احساسی از فضا و نقش آن در شکل‌گیری عاملیت زنانه تأکید کرده‌اند (بیدار و همکاران، ۱۳۹۹). بر این اساس، فضا نه‌تنها بستری برای زندگی روزمره، بلکه عرصه‌ای برای ظهور مقاومت‌ها و بازتعریف‌های زنانه است. پیوند میان تولید

شهری، زنان با شیوه‌های استفاده، مراقبت، حضور اجتماعی و زمان‌بندی فعالیت‌ها، فضاهای شهری را قابل زیستن و قابل درک‌تر می‌کنند (Fenster, 2005). منش فضایی به الگوهای تثبیت‌شده حضور، جهت‌گیری و عادت‌های فضایی اشاره دارد (Cresswell, 2011). منش زنانه نه منفعل، بلکه حاصل مرزگذاری‌های اجتماعی و مقاومت‌های روزمره و تجربه زنان در فضا بازتاب سیاست‌های تاریخی و فرهنگی جنسیتی است (Kern, 2020). تلفیق این سه مفهوم کنشگری، عاملیت و منش با سه نیروی ساختاری قدرت، سیاست و سرمایه، امکان تحلیل بازتولید فضا به‌عنوان فرایندی چندلایه و پویا را فراهم می‌کند. در این چارچوب، سطح میانجی به پژوهش امکان می‌دهد تعامل میان ساختار و تجربه زیسته زنان را در بازتولید فضا تحلیل کند. گفتمان‌ها ابزار مؤثری برای شناسایی عاملیت‌های فعال در شکل‌دهی فضا هستند و می‌توانند در موقعیت‌های مرکزی یا پیرامونی نسبت به ساختار قدرت ظاهر شوند. این عاملیت‌ها در قالب داده‌هایی مانند خاطرات، روایت‌ها یا بازنمایی‌های مجازی ظهور یافته و غالباً با مکان‌هایی پیوند دارند که میزبان رویدادهای تاریخی بوده‌اند؛ این مفهوم که به «مکان-رویداد» شناخته می‌شود، در طراحی، مکان‌سازی و برنامه‌ریزی شهری اهمیت دارد و تحلیل گفتمان امکان بازخوانی و آشکارسازی آن‌ها را فراهم می‌کند. در منش مرکزی، مکان-رویدادها عمدتاً تحت تأثیر ساختارهای رسمی شکل می‌گیرند، اما در منش پیرامونی، مکان‌ها و رویدادها توسط نیروهای غیررسمی یا مردمی بازتعریف می‌شوند و می‌توان آن‌ها را براساس فاصله‌شان از منش مرکزی یا پیرامونی در دوره‌های تاریخی تحلیل کرد؛ چارچوبی که پویایی تاریخی مکان‌ها و نقش گفتمان‌های مسلط یا حاشیه‌ای را در شکل‌دهی فضا روشن می‌کند (Sasanfar et al., 2025, 125-126). در نتیجه، بازتولید فضای شهری خیابان لاله‌زار نه صرفاً یک فرایند کالبدی، بلکه پدیده‌ای گفتمانی است که از تعامل نیروهای ساختاری

فضا، گفتمان زنان و منش فضایی گروه‌های اجتماعی، به‌عنوان بنیان نظری پژوهش، در جدول ۱ به‌صورت نظام‌مند خلاصه شده و مسیر انتقال از مبانی نظری به چارچوب تحلیلی پژوهش را روشن می‌سازد.

• پیوند گفتمان زنان و (باز)تولید: چارچوب تحلیلی پژوهش

در نظریه‌های معاصر فضایی و جنسیت، فهم بازتولید اجتماعی فضا بدون توجه به سطح میانجی کنش، عاملیت و منش فضایی ممکن نیست. اگر ساختارهای کلان قدرت، سیاست و سرمایه چارچوب‌های سازمان‌دهنده فضا را شکل می‌دهند، این سطح میانجی مشخص می‌کند که سوژه‌ها چگونه در دل این ساختارها حضور یافته، با آن‌ها تعامل می‌کنند یا در برابرشان مقاومت نشان می‌دهند. فرایند بازتولید مکان می‌تواند براساس الگوی مرکز-پیرامون تحلیل شود (Sasanfar et al., 2025, 126). در منش مرکزی، مکان‌ها بیشتر تحت تأثیر ساختارهای قدرتمند و نهادهای رسمی شکل می‌گیرند؛ در حالی که منش پیرامونی زمانی پدید می‌آید که نیروهای غیررسمی یا مردمی فضا را بازتعریف می‌کنند. کنشگری در مطالعات فمینیستی به‌معنای توانایی سوژه برای «انجام عمل در بستر محدودیت‌ها» است و در فضای شهری غالباً ظریف، روزمره و خرد است (Kern, 2020). مک‌داول نشان می‌دهد که زنان از طریق حرکت، توقف، هم‌نشینی یا اجتناب، نقشه‌های جدیدی از فضا می‌سازند (McDowell, 1998). تجربه نشان می‌دهد کنشگری زنان ترکیبی از مقاومت، سازگاری و بازخوانی قواعد جنسیتی است و می‌تواند فضاهای رسمی و قدرت‌محور را دگرگون سازد (Beebejaun, 2017). عاملیت زنانه توانایی زنان برای ساختن امکان در محدودیت‌های ساختاری است (Butler, 1990). عاملیت نتیجه درهم‌تنیدگی بدن، گفتمان و قدرت است و همواره در دل هنجارهای مسلط شکل می‌گیرد، اما می‌تواند آن‌ها را بازسازی یا به چالش بکشد. در مطالعات

جدول ۱. خلاصه مبانی نظری پژوهش در سه حوزه مفهومی فضا، قدرت و گفتمان زنان. مأخذ: نگارندگان.

مفهوم	انگاره‌پردازان کلیدی	مفاهیم اصلی	کاربرد در پژوهش
تولید و باز تولید فضا	Lefebvre, (1991); Soja, (1996); Harvey, (2001); Harvey, (1985); Smith, (1996); Sassen, (2013)	فضای زیسته، فضای بازنمایی شده، فضای سوم، کالایی شدن فضا، بازآفرینی شهری	فضا به‌عنوان بستری پویا و اجتماعی، محل تضاد منافع، مقاومت در بازتولید قدرت تفسیر می‌شود. زنان در این فضا عاملان کنشگری هستند
حق به شهر	Lefebvre, (1991); Mitchell, (2003)	حق حضور، مشارکت، امنیت، تنوع، تعامل اجتماعی	مشارکت زنان در خلق فضاهای شهری، بازتعریف خیابان به‌عنوان فضای اجتماعی برابر
گفتمان زنان از فضا	Butler, (1990); Donati & Rodríguez-García, (2024); Massey, (1994); Rose, (1993); McDowell, (1998)	جنسیت اجرا شونده، ساختار فضایی مردسالار، طرد فضایی	تحلیل چگونگی شکل‌گیری نابرابری‌های فضایی و نقش کنش‌های روزمره زنان در بازتعریف فضاهای عمومی

اسناد شنیداری: ۳ پادکست

اسناد دیداری-شنیداری: ۶ فیلم و ۴ مستند

انتخاب منابع با نمونه‌گیری هدفمند انجام شد تا داده‌هایی با غنای اطلاعاتی و ارتباط مستقیم با موضوع گردآوری شده باشد.

• (ب) روش تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها بر پایه تحلیل محتوای کیفی استقرایی و با تمرکز بر مضامین آشکار و ضمنی انجام شد. این فرایند شامل سه مرحله اصلی بوده است:

کدگذاری باز: شناسایی مفاهیم و نشانه‌های عاملیت در گفتمان‌ها

کدگذاری محوری: بررسی ارتباط میان کنشگری زنان و فضا
کدگذاری منتخب: استخراج مؤلفه‌های اصلی و ساختارمند کردن یافته‌ها

در این فرایند، رابطه میان کنش‌های خرد روزمره زنان و ساختارهای کلان قدرت، سیاست و سرمایه تفسیر شد.

• (پ) اعتبار و اطمینان از یافته‌ها

برای افزایش اعتمادپذیری و اعتبار داده‌ها، راهبردهایی همچون تثبیت داده‌ها، بازبینی مکرر، شفافیت فرایند تحلیل و تطبیق نظری به کار گرفته شد. این روش، با تمرکز بر خوانش تفسیری داده‌ها و پیوند مستقیم آن با نظریه‌های تولید فضا و گفتمان زنان، زمینه تحلیل عمیق و نظام‌مند فرایند بازتولید فضایی خیابان لاله‌زار را فراهم می‌کند.

بحث

تحلیل یافته‌های این پژوهش بر اساس الگوی مفهومی انجام شد که از تلفیق نظریه‌های بازتولید فضای شهری و گفتمان زنان و در چارچوب رویکرد کیفی استخراج شده است. این الگو سه مولفه کلان یعنی قدرت، سیاست و سرمایه را در نسبت با ابعاد تحلیلی یعنی کنشگری، عاملیت و منش فضایی بررسی می‌کند و جایگاه زنان در فرایند بازتولید فضای خیابان لاله‌زار را بازخوانی می‌کند. لاله‌زار در این چارچوب، نه تنها یک فضای کالبدی، بلکه همچون «میدان گفتمانی» در نظر گرفته می‌شود که کنش، معنا و عاملیت زنان در تعامل با ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و تحولات تاریخی بازتعریف شده است. گفتمان زنان در سه سطح رفت و برگشتی تحلیل می‌شود. کنشگری (فرمایشی-خودجوش)، عاملیت (مکان-رویداد) و منش فضایی (پیرامونی-مرکز). سازوکارهای قدرت، سیاست و سرمایه جهت‌گیری این مولفه‌ها را شکل می‌دهند و فهم تغییرات تاریخی لاله‌زار با در نظر گرفتن آنها طبق **تصویر ۲** تفسیر می‌شود.

یافته‌ها در سه سطح ارائه می‌شوند. استخراج کدهای باز، تحلیل عاملیت و تبیین مقوله‌های کلان بازتولید فضا که پیوند میان کنش‌های خرد و ساختارهای کلان را نشان می‌دهد. این رویکرد،

با کنشگری، عاملیت و منش زنان شکل می‌گیرد. قدرت به کنترل و مشروعیت‌بخشی حضور زنان اشاره دارد؛ سیاست، بازنمایی زنان در گفتمان رسمی و رسانه‌ای را مشخص می‌کند؛ و سرمایه، دسترسی و فرصت‌های اقتصادی و فرهنگی فضا را تعیین می‌کند. سه بعد تحلیلی کنشگری، عاملیت و منش نشان می‌دهند که زنان چگونه در فضا حضور یافته، تجربه می‌کنند و معنا می‌بخشند. «کنشگری» رفتارهای خودجوش یا مشارکتی تا فرمایشی یا جانبدارانه را در بر می‌گیرد؛ «عاملیت» نشان می‌دهد چگونه فضا از مکان فیزیکی به عرصه‌ای رویدادی و معنا ساز تبدیل می‌شود؛ و «منش» جهت‌گیری اجتماعی حضور زنان از پیرامون به مرکز و بالعکس را توضیح می‌دهد. در این چارچوب، فضا به مثابه میدان گفتمانی عمل می‌کند؛ جایی که معانی، قدرت و عاملیت در تعامل مداوم بازتولید می‌شوند. نمودار مفهومی پژوهش (**تصویر ۱**) شبکه‌ای از تعامل میان نیروهای ساختاری و کنش‌های زنانه را نشان می‌دهد و مبنایی برای تحلیل دوره‌های تاریخی و تحول گفتمان زنان در خیابان لاله‌زار فراهم می‌کند.

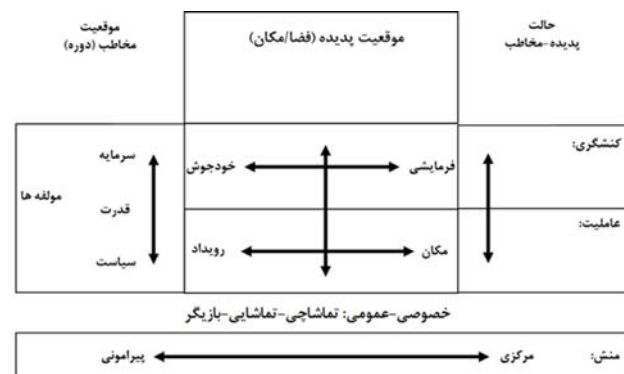
روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و مبتنی بر تحلیل گفتمان، به بررسی بازتولید فضای شهری خیابان لاله‌زار از منظر گفتمان زنان پرداخت. بر این اساس، روش پژوهش بر پایه تحلیل محتوای کیفی استقرایی و در چارچوب رویکرد گفتمان محور طراحی شد.

• الف) جامعه و نمونه پژوهش

داده‌های پژوهش از منابع تاریخی، فرهنگی، دیداری و شنیداری مرتبط با خیابان لاله‌زار از دوره قاجار تا جمهوری اسلامی بود که امکان بازنمایی حضور، کنشگری و عاملیت زنان در فضا را داشته است. منابع که بررسی شد عبارتند از:

اسناد نوشتاری: ۱۴ مقاله، ۱۴ کتاب، ۲ سفرنامه و ۳ روایت
اسناد دیداری: ۲۱ عکس و ۲۸ اسکس

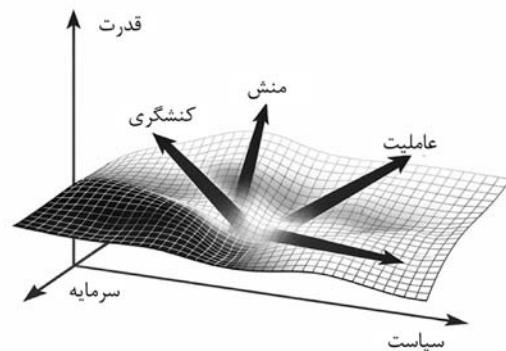


تصویر ۱. مدل مفهومی پژوهش: بازتولید فضای شهری بر مبنای گفتمان زنان. مأخذ: نگارنگان برگرفته از (Sasanfar et al., 2025, 135, Hosseini et al., 2024)

(Pourzargar et al., 2020, Habibi & Ahri, 2008). به این ترتیب، لاله‌زار دوره قاجار را می‌توان عرصه‌ای دانست که در آن گفتمان زنان به سان تماشایی کنترل شده و سوژه غایب فضا به صورت انفعال اجباری در قالب مناسبات درباری به صورت عبوری معنا می‌یافت. این فرایند، لاله‌زار را به خیابانی تبدیل کرد که امکان تعامل اجتماعی و حضور زنان در چارچوب‌های اجتماعی پذیرفته شده، از جمله فعالیت‌هایی مانند خرید از فروشگاه‌های نوین، به شکل‌گیری الگوهای جدید استفاده از فضا و تحول تدریجی در شیوه‌های ساماندهی شهری انجامید.

• گفتمان پهلوی (ابزار مدرنیزاسیون: تماشایی و مصرفی شدن)

از نظر برخی تحلیل‌گران سیاست‌های مدرن‌سازی شهری و اجتماعی موجب ایجاد فضاهایی با تنوع کارکردی، تغییر تعاملات عمومی و تجربه‌های شهری نوین شد که امکان کنشگری خودجوش زنان را به شیوه دیگری فراهم می‌کرد (Meftahi, 2017). لاله‌زار به فضای سرگرمی یا اقتصاد شبانه بدل شد و استفاده از تصاویر یا افراد گستره متفاوتی یافت: عواملی مثل درآمدزایی در برخی کاربری‌ها یا آزارهای کلامی، تهدیدهای جنسی در فضاهای باز شهری باعث لزوم همراه داشتن محافظ (مدیر کاباره-حتی شهرداری، پلیس، ساواک، شبکه‌های غیررسمی) می‌شد. گرچه به نظر زنان کنشگر فعال‌تری در سینما، تئاتر، کافه‌ها و خیابان بودند ولی کاباره‌ها، رقص‌خانه‌ها، تئاترهای شبانه، این کنشگری هویت زن را به طور رسمی در خدمت صنایع سرگرمی و کالایی ساز قرار داد (Lewisohn, 2015). بنابراین عاملیت زنان با تغییر نمادها، چالش‌های شغلی و فرهنگی شکل نوینی یافت و جنسیت از موقعیت پیشین به وضعیت اوج دوگانگی رهایی یا ابژه (نماد) گرایی قرار گرفت: در ظاهر لاله‌زار پهلوی نماد زن مدرن و آزادی شهری ولی در تجربه زیسته آزادی ظاهری، محدودیت، تبعیض و استثمار محسوب می‌شد. کنشگری جنسیتی نقش‌هایی متکثر یافت و بدن و ظاهر به ابزاری برای بیان حضور و هویت در فضای عمومی بدل شد (Pourzargar et al., 2020). پس این عاملیت در چارچوب سرمایه‌داری فرهنگی و تماشای جنسیتی محدود بود. منش فضایی در این مقطع مصرف است. خیابان صحنه و کانون سبک زندگی به اصطلاح مدرن، فرهنگ مصرف و نمایش اجتماعی شد. سرمایه‌گذاری در فضا، ظهور سینما، تئاتر و فروشگاه‌های لوکس و بازنمایی جنسیتی در این محیط‌ها، موجب شکل‌گیری مرکزیتی نمایشی-اقتصادی شد که اولویت‌ها یا کنترل‌های جدیدی را بازتولید می‌کرد. مکان‌سازی و موفقیت فضا با افزایش پذیرش کامل همه افراد در خیابان لاله‌زار از جمله زنان بستگی دارد. این افزایش به شرط رشد بهتر الگوهای رفتارهای گزینشی، اجتماعی و کارکردی،



تصویر ۲. بازتولید فضای شهری با گفتمان زنان در اثر تعامل منش، عاملیت و کنشگری متأثر از قدرت، سرمایه و سیاست. مأخذ: نگارندگان.

امکان بررسی سازوکارهای گفتمانی و فضایی شکل‌دهنده به حضور زنان در سه دوره تاریخی قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی را در این پژوهش فراهم ساخته است.

• گفتمان قاجار (رواج الگوی اروپایی: نوگرایی و حضور تماشایی وار)

لاله‌زار در آغاز، فضایی نیمه‌خصوصی - نیمه‌عمومی وابسته به دربار بود. زنان بیشتر غایبان نمادین فضا بودند؛ حضورشان یا در قالب حرم‌سرا و مناسبات درباری یا به صورت عبوری و کنترل‌شده معنا می‌یافت. این خیابان به‌عنوان یکی از نخستین فضاهای مدرن شهری، نقطه چرخش در نظم فضایی تهران محسوب می‌شود؛ فضایی که از منطق زیست‌سنتی فاصله گرفت گرچه زنان در منطق «حق به شهر» هنوز فاقد سوژگی بودند. لاله‌زار در این دوره نه‌تنها یک مکان، بلکه عرصه‌ای گفتمانی بود که در آن مدرنیته، جنسیت و قدرت در تعامل قرار گرفتند و زیرساخت ظهور شکل‌های نوین عاملیت زنانه را فراهم کردند (Meftahi, 2017, Lewisohn, 2015). البته تغییر پوشش مردان نیز از این دوره به نسبت پیش محسوس است و قدرت سلطنتی و پدرسالار فضا را مردانه تعریف می‌کرد. حضور زنان در لاله‌زار، فراتر از یک دگرگونی فضایی، بازتابی از جابه‌جایی معنایی در مرزهای عمومی-خصوصی بود. زنان در این فضا به رسانه‌ای برای بازنمایی یا نمایش نمادین در فضا تبدیل شدند. این حضور در حکم مداخله‌ای نمادین در ساختار قدرت عمل می‌کرد و ظرفیت زنان را برای بازتعریف موقعیت اجتماعی‌شان در سطح شهر تغییر داد.

هم‌زمان، تنوع پوشش و سبک‌های ظاهر زنان طیف‌های متجدد و هنرمند، لاله‌زار را به صحنه‌ای برای چالش با نظم مردسالارانه بدل کرد؛ نظمی که تلاش می‌کرد فردیت زنانه را در محدوده‌ای از انضباط، کنترل و بازنمایی‌های خاص نگه دارد. این تنوع، در سطح گفتمانی نقش جنسیت را از یک ابژه منفعل به فاعلیت تغییر و نشان داد که زنان چگونه از عناصر ظاهری و زیبایی‌شناختی برای بازتشکیل هویت خود بهره می‌گیرند

قابل مشاهده است. با تغییر کاربری‌های رسمی خیابان به واسطه عدم مشروعیت فعالیت‌های کالایی دیدن افراد، نوع، میزان حضور، آزارهای کلامی و نگاه‌های جنسی تغییر می‌کند. به‌طور کلی، خیابان لاله‌زار در دوره جمهوری اسلامی، با فرصت‌گفتمان زنان و احترام به ساحت او و منع کالایی دیده شدن نگریسته شد. ولی سرعت حضور زنان در این خیابان کند پیش رفت. امروز، این فرصت با وجود شبکه‌های اجتماعی، تعاملات روزمره و فعالیت‌های برخط از یک سو و اشتغال‌زایی و برندسازی‌های زنانه (خیاطی‌ها، فروشگاه‌های پوشاک و خدمات فرهنگی که از گذشته در این خیابان بوده) از دیگر سو تشنه مشارکت زنان است. می‌توان گفت فضای لاله‌زار برای موفقیت همچنان نیازمند افزایش قابلیت امکان حضور مناسب همه اقشار مردم به‌صورت پیاده و استفاده دلپذیر و سالم از آن به منظور خرید، عبور، ملاقات، قرار، لذت و زندگی در قالب ساختار رسمی مقیاس انسانی است (Rezaei & Irani, 2020). درنهایت، به‌منظور تبیین فرایند بازتولید فضای شهری خیابان لاله‌زار در بستر سه دوره تاریخی، داده‌های کیفی گردآوری‌شده از اسناد مختلف براساس چارچوب نظری پژوهش تحلیل شدند. نتایج حاصل از کدگذاری و تلفیق داده‌ها در جدول ۲ ارائه شده است تا نسبت میان مؤلفه‌های نظری و ابعاد تجربی پژوهش آشکار شود.

براساس داده‌های جدول ۲، می‌توان دریافت که بازتولید فضای شهری در خیابان لاله‌زار در هر سه دوره تاریخی، تحت تأثیر آرایش متفاوتی از نیروهای قدرت، سیاست و سرمایه شکل گرفته است. این روند تطبیقی نشان می‌دهد که تعامل میان مؤلفه‌های نظری و ابعاد تحلیلی در هر دوره، نوع خاصی از نظم فضایی و گفتمان فضایی زنان را تولید کرده است. از این منظر خیابان لاله‌زار را می‌توان همچون متنی گفتمانی خواند که در آن، حضور و عاملیت زنان نه ساکن بلکه پویا و وابسته به ساختارهای تاریخی، اقتصادی و سیاسی زمانه خود در سطح کلان، خرد یا متوسط بوده است.

نتیجه‌گیری

فرایند بازتولید فضای شهری از جمله در خیابان لاله‌زار نه‌تنها یک تحول کالبدی، بلکه پدیده‌ای گفتمانی، تاریخی و اجتماعی است که در پیوند با روابط قدرت، سیاست‌های رسمی و منطق سرمایه معنا می‌یابد. تحلیل گفتمان زنان در سه دوره تاریخی قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی آشکار می‌سازد که حضور و عاملیت زنان در فضا همواره در نسبت با ساختارهای رسمی اجتماعی و فرهنگی بازتعریف شده و با سطوح آشکارگی متفاوت در نوسان است. کنشگری زنان در فضا نه‌تنها محدود به اعمال فردی نیست، بلکه فرایندی ظریف و روزمره است که از خلال آن زنان، فضا را بازتولید

بهبود عواملی مانند سلامتی، تعاملات سالم انسانی، ایمنی، دسترسی، کارآیی تردد، نوستالوژی، هویت، خوانایی، برگزاری رویدادهای ملی، تلفیق عناصر طبیعی با محیط مصنوع، رعایت مقیاس انسانی و اجرای اصول زیباشناسی جامعه ممکن است (Rezaei, 2022c, 136).

• گفتمان جمهوری اسلامی (فرصت بازیگری مشارکت جوانه)

پس از انقلاب اسلامی، لاله‌زار مساله‌دار شد. چراکه پاکسازی و طرد زنان از فضای عمومی شبانه بر مبنای زن به‌مثابه سوژه اخلاقی در این خیابان به‌خصوص دستورکار قرار گرفت. تحولات فضایی خیابان لاله‌زار در سال‌های بعدی با افزایش فروشگاه‌های الکتریکی به‌ویژه تا اواخر دهه ۱۳۶۰ با نوعی سازمان فضایی همراه بود که فضای خیابان را مردانه کرد. پژوهش‌ها و طرح‌های متعدد دانشگاهی، مهندسان مشاور، مسابقات، کنشگران اجتماعی، طرح‌های شخصی و دولتی نتوانست لاله‌زار را به نتیجه رضایت بخش برساند، گرچه به تغییر در برخی کارکردهای پیشین فضا انجامید (حبیبیان و رحمانپور، ۱۳۹۴، ۱۰۶-۱۰۷). به تدریج با توسعه طرح‌های شهری در سایر بخش‌های تهران با گرایش به فضاهای تاریخی، پیاده و باز شهری لزوم توجه به توانمندسازی بافت لاله‌زار با مشارکت مردمی بارزتر شد (Rezaei, 2019, 58; Rezaei, 2022b, 5). طرح‌های بهسازی متعدد برای این خیابان تاریخی کاستی‌هایی داشته و نتوانسته به اهداف تنظیم شده خود برسد. با این حال، چنین تلاش‌هایی به‌طور غیرمستقیم در جهت تقلیل تسلط نقش مردانه و تکثیر نقش‌های غیراز تماشایی بودن زنان مؤثر بوده است. در سطوح خردتر فضایی به‌ویژه در شبکه کوچه‌هایی مانند مهران و برلن و فضاهای پیرامونی آنها الگوهای متنوعی از حضور اجتماعی و مشارکت زنان بیشتر تداوم یافت؛ امری که نشان می‌دهد در کنار سیاست‌ها و برنامه‌های رسمی، کنش‌های روزمره و مشارکت زنان نقش مهمی در حفظ پویایی و جایگاه اجتماعی فضا ایفا کرده است.

در این دوره و هم‌زمان با رشد رسانه‌های اجتماعی و فناوری‌های نوین، مفهوم خصوصی-عمومی تغییر کرده و حضور در فضا با شبکه‌های اجتماعی و تعاملات چهره‌به‌چهره هر دو میسر است. میسر است. با این وجود لازم است از این فرصت در تعامل فضای شهری لاله‌زار با کاربری عمده صنف الکتریکی بهره برد (Rezaei, 2022a). حضور در فضاهای عمومی بر پوشش‌های رسمی با تأکید بر حیا و عفاف متمرکز است. البته استاندارد ثابت و غیرمنعطی در این خصوص ایجاد نشده و امکان بروز تنوع پوشش و تعبیرهای متفاوت در فضاهای کوچک‌تر و نیمه‌رسمی فراهم است. در این بستر، تغییرات عاملیت و مشارکت اجتماعی زنان، به‌ویژه در حوزه حقوق زنان،

جدول ۲. کدگذاری گفتمان‌ها (مؤلفه، کنش، عاملیت). (مأخذ: نگارندگان).

دوران تاریخی	گفتمان براساس کدهای منتخب (مؤلفه‌های اصلی)	کنشگری گفتمان کدهای محوری (عاملیت)	کدهای باز عاملیت گفتمان
گفتمان قاجار: تماشاچی (انفعال اجباری)	سیاست	اجتماع، فرهنگ، تحولات سیاسی، عنصر جنسیت	ظهور مدرنیته، تغییرات پوششی افراد مناسبات درباری، تنوع کاربری، زنان به‌عنوان تماشاچی کنترل شده و غائب
گفتمان پهلوی: تماشاچی (کالا در مدرنیته نمایشی)	قدرت	مدرنیسم، قلمروی ملی، حکمرانی و برنامه‌ریزی شهری، رویکرد دموکراتیک	نظام پدرسالارانه، ظهور عنصر خیابان، مفهوم خیابان جهانی با تمرکز بر قدرت، انفعال اجباری زنان، زنان خارج از حق به شهر
گفتمان جمهوری اسلامی: مشارکت (فرصت بازیگری)	سرمایه	اقتصاد، دانش، هنر، خاطرات جمعی و فردی	مالکیت (نیمه) خصوصی، سرمایه‌داری درباری، زنان با نقش عبوری
گفتمان جمهوری اسلامی: مشارکت (فرصت بازیگری)	سیاست	اجتماع، فرهنگ، تحولات سیاسی، عنصر جنسیت	بروز رفتار جدید کافه گردی و کافه نشینی، سیاست‌های ناشی از به اصطلاح مدرنیزاسیون، زنان به‌مثابه سوژه (اجتماعی تا مصرفی-تبلیغاتی)
گفتمان جمهوری اسلامی: مشارکت (فرصت بازیگری)	قدرت	مدرنیسم، قلمروی ملی، حکمرانی و برنامه‌ریزی شهری، رویکرد دموکراتیک	تماشای فیلم به‌عنوان تفریح نوین، کالاهای لوکس، بهره از هویت زن از طریق کنشگری رسانه‌ای تبلیغاتی-تجاری تحت هدایت سیاست‌های «مدرن».
گفتمان جمهوری اسلامی: مشارکت (فرصت بازیگری)	سرمایه	اقتصاد، دانش، هنر، خاطرات جمعی و فردی	اشیا لوکس فرهنگی-اقتصادی با منش نمایشی و مصرفی، کنشگری زنان به شکل مصرف مدرن و بازنمایی جنسیتی؛ سرمایه‌داری و گفتمان تجمل، زیبایی و نمایش
گفتمان جمهوری اسلامی: مشارکت (فرصت بازیگری)	سیاست	اجتماع، فرهنگ، تحولات سیاسی، عنصر جنسیت	پاکسازی اخلاقی، رواج کاربری‌های الکتریکی، حضور مردان در فضای خیابان
گفتمان جمهوری اسلامی: مشارکت (فرصت بازیگری)	قدرت	مدرنیسم، قلمروی ملی، حکمرانی و برنامه‌ریزی شهری، رویکرد دموکراتیک	شهر جهانی (با تمرکز بر قدرت و ثروت)، قطب صنایع الکتریکی کشور، بازتعریف نقش عملیاتی زن با پرهیز از لذایذ و غرایز جنسی
گفتمان جمهوری اسلامی: مشارکت (فرصت بازیگری)	سرمایه	اقتصاد، دانش، هنر، خاطرات جمعی و فردی	اقامتگاه‌های بین‌المللی، خرده‌فروش‌های زنانه و ایجاد فضاهای مستقل اقتصادی، امکان حضور مجازی در کنار فیزیکی، نوسازی اقتصادی، فروش لوازم الکتریکی

می‌سازد. فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی زنان، از خیاطی‌ها و فروشگاه‌ها تا تولیدات هنری و فرهنگی، به بازتولید عملکرد اجتماعی و اقتصادی مکان‌ها کمک می‌کند و فضا را به محلی برای تعامل و تولید فرهنگی-اقتصادی تبدیل می‌کند. هرچند حضور زنان در دوره‌های قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی فراهم بوده است، اما مفهوم موفقیت در این زمینه فراتر از حضور، منوط به شیوه حضور است. موفقیت فضاهای شهری به حضور غیرانفعالی-نمادین و مشارکت اخلاقی تمام اقشار جامعه وابسته است. به‌عبارتی، این فضاها باید قابلیت و امکان حضور مناسب همه مردم را به‌طور پیاده و سواره در محیطی دلپذیر و سالم فراهم کنند. هدف از طراحی چنین فضاهایی، تسهیل فعالیت‌هایی چون خرید، عبور، ملاقات، قرار ملاقات و زندگی اجتماعی است. بدین ترتیب، زنان همچون سایرین به‌واسطه حضور فعال و کنشگرانه خود، فضا را بازتولید کرده و زمینه‌های تحول گفتمان قدرت و مشارکت اجتماعی را ایجاد می‌کنند، و این امر نشان‌دهنده نقش افراد در شکل‌دهی و پویایی مستمر فضای شهری است. سه مؤلفه قدرت، سیاست و سرمایه در تعامل با سه بعد کنشگری، عاملیت و منش، جایگاه زنان در ساخت فضایی شهر را تعیین می‌کنند و نسبت میان این عناصر در هر دوره تاریخی، شکل متفاوتی از مرکزیت یا پیرامونی زنانه را بازتاب می‌دهد؛ از مرکزیت یافتن مسائل فرهنگی و اجتماعی و استفاده جنسیتی دوره پهلوی تا منش آزادی مشروع و به حاشیه کشیدن استفاده‌های جنسیتی ولی

کرده به آن معنا می‌بخشند. عاملیت زنانه به معنای توانایی تولید امکان در دل ساختارهای موجود است و از طریق آن، زنان می‌توانند عاملیت مشارکتی یابند. منش فضایی جنسیتی، که شامل الگوهای تثبیت‌شده حضور و جهت‌گیری در فضا است، محصول تعامل میان هنجارهای اجتماعی و مقاومت‌های روزمره است و تجربه حضور افراد را شکل می‌دهد. بازتولید الگوهای فضایی مختص مردان نیست و گروه‌های اجتماعی مختلف از جمله زنان، با شیوه‌های مختلف حضور از دیده شدن تا فعالیت‌های اقتصادی-فرهنگی، شکل‌دهی به تجربه زیسته در این بازتولید فضایی نقش آفرینند. هویت‌های بدیل فضایی در قالب حقوق و آزادی‌های مشروع افراد به‌صورت نمادین و واقعی، مستمر و پیوسته در فضای شهری قابل بازتولید است. تحلیل تاریخی نشان می‌دهد که در دوره‌های مختلف خیابان لاله‌زار بستر کنشگری زنان در عرصه عمومی بوده و زنان از موقعیت پیرامونی، نمایشی و کالایی به موقعیت مرکز توجه اجتماعی و فرهنگی نزدیک شدند و از طریق تجربه زیسته در فضا عاملیتی نوظهور یافتند. فضای جنسیت در لایه‌های رویین، نمایشی، دیدن و دیده شدن ظاهری است ولی در لایه‌های زیرین شبکه‌های تعاملی اجتماعی را می‌سازد. زنان در بازتولید فضا نقش چندلایه و فعال دارند؛ حضور آنان در فضاهای عمومی، نیمه‌خصوصی و خصوصی، نه‌تنها مرزهای اجتماعی و فضایی موجود را بازتعریف می‌کند، بلکه دسترسی و مشروعیت حضور در فضا را دگرگون

rsnr.2020.0015

- Habibi, S. M., & Ahri, Z. (2008). Lalehzar – A Promenade, From Garden to Avenue. *Honar-Ha-Ye-Ziba*, 34(0), 5-15. https://jhz.ut.ac.ir/article_19405.html?lang=en
- Harris, A. (2005). Discourses of Desire as Governmentality: Young Women, Sexuality and the Significance of Safe Spaces. *Feminism & Psychology*, 15(1), 39-43. <https://doi.org/10.1177/0959353505049702>
- Harvey, D. (1985). *The urbanization of capital: studies in the history and theory of capitalist*. The Johns Hopkins University Press.
- Harvey, D. (2001). *Spaces of Capital Towards a Critical Geography*. Routledge.
- Hayden, D. (1980). what would a non-sexist city be like? speculations on housing, urban design and human work. *journal of women in culture and society*, 5, 170-187. <https://doi.org/10.1086/495718>
- Hosseini, S. M., Rezaei, M., Bandarabad, A. (2024). Components of Semantic Perception of Transcendental Place: Phenomenological Interpretation of the Symbolic Historical Centers of Isfahan. *Motaleate Shahri*, 14(53), 35-50. <https://doi.org/10.22034/urbs.2024.141819.5068>
- Kern, L. (2020). *Feminist City: Claiming Space in a Man-Made World*. Verso.
- Lefebvre, H. (1991). *The production of space* (D. N. Smith, Trans.) Cambrided: Blackwell.
- Lewisohn, J. (2015). the rise and fall of Lalehzar, culture of Tehran in the Mid-Twentieth century. *Tehran project1*, 1-38. <https://doi.org/10.1098/rsnr.2020.0015>
- Löw, M. (2006). The Social Construction of Space and Gender. *European Journal of Women's Studies*, 13(2), 119-133. <https://doi.org/10.1177/1350506806062751>
- Malson, H., & Swann, C. J. (2003). Re-producing 'woman's' body: reflections on the (dis)place(ments) of 'reproduction' for (post)modern women. *Journal of Gender Studies*, 12(3), 191-201. <https://doi.org/10.1080/0958923032000141535>
- Massey, D. (1994). *Space, Place, and Gender*. university of Minnesota.
- McDowell, L. (1998). *Gender, Identity and Place: Understanding Feminist Geographies*. wiley.
- Meftahi, I. (2017). Intimate embraces with A jnabi (strangers): a political history of partner dancing in Tehran, 1920-1950. *Cilo. women. Gender, History*, 46, 111-133. <https://doi.org/10.4000/clio.13722>
- Mitchell, D. (2003). *the right to the city social justice and the fight for public space* (first edition ed.). Guilford press.
- Nakhla, J. (2015). Women as Space/Women in Space: Relocating our Bodies and Rewriting Gender in Space.

کم رنگ تر شدن حضور فضایی به دلیل کاربری‌های معاصر. نتایج پژوهش بر ضرورت بازاندیشی در سیاست‌های فضایی تأکید دارد و نشان می‌دهد که بازتولید عادلانه فضاهای شهری مستلزم در نظر گرفتن تجربه زیسته، امنیت و عاملیت زنان در فرایند طراحی و تصمیم‌گیری شهری است. بهره‌گیری از فناوری‌های نوین ارتباطی، روایت‌سازی دیجیتال و راهبردهای مشارکتی می‌تواند به احیای حافظه جمعی زنانه و بازگرداندن منش فرهنگی و جنسیتی به فضا کمک کند و خیابان لاله‌زار را از یک فضای مرد محور، به عرصه‌ای پویا، خاطرهمحور و برابر تبدیل کند؛ فضایی که در آن بازتولید شهری بر مبنای حضور و عاملیت زنان در چارچوب حقوق مشروع و آزادی‌های فرهنگی ایرانی با تمرکز روی «حقوق و تجربه زیسته زنان» و «تعادل فضایی» نیز دیده شود.

اعلام عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچگونه تعارض منافی برایشان وجود نداشته‌است.

فهرست منابع

- بیدار، مینا؛ پاکزاد، جهان‌شاه و وریج کاظمی، عباس. (۱۳۹۹). معنای بازار تهران در تجربه زنانه. هویت شهر، ۴۴ (۱۴)، ۹۹-۱۱۲. <https://www.doi.org/10.30495/hoviatshahr.2020.15241>
- حبیبیان، ناصر و رحمانپور، غزال. (۱۳۹۴). دگردیسی مفهوم تقاطر در خیابان لاله‌زار به‌مثابه تماشاخانه مدرنیته ایران. کتاب صحنه، ۹۸، ۸۸-۱۰۹. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1090596>
- Baydar, G. (2012). Sexualised productions of space. *Gender, Place and Culture*, 19(9), 699-706. <https://doi.org/10.1080/0966369X.2012.675472>
- Beebejaun, Y. (2017). Gender, Urban Space, and The Right To Everyday Life. *Journal of Urban Affairs*, 39(3), 323-334. <https://doi.org/10.1080/07352166.2016.1255526>
- Butler, J. (1990). *gender trouble: feminism and the subversion of identity*. Routledge
- Chattopadhyay, S. (2019). Violence on bodies: Space, social reproduction and intersectionality. *Gender, Place & Culture*, 25(4), 1-10. <https://doi.org/10.1080/0966369X.2018.1551783>
- Cresswell, T. (2011). *Place: A Short Introduction*. Wiley-Blackwell.
- Donati, F., & Rodríguez-García, M. J. (2024, July). Gender mainstreaming in urban projects: A measurement proposal applied to Spanish Urban regeneration policies. *cities*, 150, 105090. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2024.105090>
- Fenster, T. (2005). Gender and the City: The Different Formations of Belonging. In L. Nelson, Seager (Ed.). *Gender and the City: the Different Formations of Belonging* (pp. 242-256). Blackwell Publishing Ltd. <https://doi.org/10.1098/>

Rethinking Intersections, 1(1). <https://doi.org/10.36583/1-1-3>

- Pour Hossein Roshan, H., Pourjafar, M., Aliakbari, S. (2021). Explaining the Approach of Gender Justice in Urban Spaces Case Study: Urban Space of Imam Rasht Sister Complex. *Quarterly Journals of Urban and Regional Development Planning*, 4(10), 115-145. <https://doi.org/10.22054/urdp.2021.50702.1195>
- Pourzargar, M., Abedini, H., & Etemadi, A. (2020). The Contribution of “Street” Component in the Process of Modernization and the Development of Tehran Case Study: The Lalehzar Street. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 17(91), 5-16. <https://doi.org/10.22034/bagh.2020.219365.4461>
- Rehman, S. (2025). Muslim women in the discourse of space in Leh district of Ladakh. *Gender, Place & Culture*, 32(6), 960–979. <https://doi.org/10.1080/0966369X.2024.2446583>
- Rezaei, M. (2019). The Progress and Trend Trajectory in Urban Design Projects of the Islamic Republic of Iran (Implemented Projects in Tehran from 1980 to 2015). *Quarterly Journals of Urban and Regional Development Planning*, 3(4), 35-66. <https://doi.org/10.22054/urdp.2019.41002.1110>
- Rezaei, M. (2022a). Codifying architecture, urban planning and design strategies in the post-corona era with a grounded theory method. *Journal of Sustainable City*, 5(4), 143-158. <https://doi.org/10.22034/JSC.2023.280198.1442>
- Rezaei, M. (2022b). Expanding Walkability in Tehran’s Historic Downtown Case Study: Streets Leading to the Imam

Khomeini Square (Maidan-e Tup-khana). *International Journal of Architectural Engineering & Urban Planning*, 32(2), 1-15. <https://ijaup.iust.ac.ir/article-1-619-en.html>

- Rezaei, M. (2022c). Place-Making through Walkability Case Study: Urban Spaces Adjacent to Toopkhaneh Square in Tehran. *Urban Planning Knowledge*, 3(6), 120-138. <https://dx.doi.org/10.22124/upk.2023.21599.1722>
- Rezaei, M., & Irani, A. M. (2020). The Contribution of the “Human Scale” to the Success of Urban Projects (Case Study: Tehran Urban Restoration Projects in the 1380s SH). *Urban and Regional Development Planning*, 5(14), 1-28. 91. <https://doi.org/10.22054/urdp.2021.57686.1275>
- Rose, G. (1993). *feminism and geography: the limits of geographical knowledge*. polity press.
- Sasanfar, M., Rezaei, M., Moradi Masihi, V. (2025). An Interpretation of the Patterns of Urban Space Reproduction Using Discourse A 10.22124/upk.2025.28877.1986 nalysis (case study: Lalehzar Street). *Urban Planning Knowledge*, 9(2), 119-139. <https://doi.org/10.22124/upk.2025.28877.1986>
- Sassen, S. (2013). *The global city: New York, London, Tokyo*. Princeton university press.
- Smith, N. (1996). *the new urban frontier: gentrification and the revanchist city*. Routledge.
- Soja, E. W. (1996). *Thirdspace journeys to Los Angeles and other real and imagined places*. Blackwell publishing.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

ساسانفر، مهسا؛ رضایی، محمود و مرادی مسیحی، وراز. (۱۴۰۵). بازتولید فضای شهری بر مبنای گفتمان زنان در خیابان لالهزار تهران. *باغ نظر*، ۲۳(۱۵۴)، ۵۹-۶۸.

DOI: [10.22034/bagh.2026.550557.5904](https://doi.org/10.22034/bagh.2026.550557.5904)

URL: https://www.bagh-sj.com/article_240776.html

